

## عدد خبر

۱۸  
هزار فعال اقتصادی

برای دریافت تسهیلات کرونا ثبت نام کردند

**تسنیم** از چهارشنبه هفته گذشته فرآیند ثبت نام برای پرداخت تسهیلات کرونا به ۱۳ عنوان شغل و فعالیت اقتصادی در سایت کار آغاز شد. به گفته مدیرکل سیاست گذاری و توسعه اشتغال وزارت کار تاکنون حدود ۱۸ هزار کارفرما و فعال اقتصادی برای دریافت تسهیلات ثبت نام کرده اند. علاءالدین زوجی با بیان اینکه ۵۰ هزار میلیارد تومان وام برای مشاغل آسیب دیده در نظر گرفته شده است، گفت: «حدود ۳ میلیون شاغل بیمه شده در بیش از یک میلیون واحد اقتصادی آسیب دیده مشغول به کار بودند که با تأیید اطلاعات و استمرار اشتغال، به ازای هر نفر بیمه شده ۱۲ میلیون تومان وام پرداخت خواهد شد. در واحدهایی که به اجبار تعطیل شده باشند، این رقم ۱۶ میلیون تومان خواهد بود. زمان بازپرداخت آن از اوایل مهر آغاز می شود و دو سال طول خواهد کشید.»



تسهیلات سال های اخیر به بخش صنعت و معدن پرداخت شد

**ایرنا** رئیس کمیسیون پول و بازار سرمایه اتاق تهران از پرداخت بیش از ۳۰ درصد کل تسهیلات پرداختی به بخش صنعت و معدن طی سال های گذشته خبر داد. فریال مستوفی گفت: «سالانه از سوی نظام بانکی به بخش های مختلف اقتصادی ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار میلیارد تومان تسهیلات پرداخت می شود.» این فعال اقتصادی بخش خصوصی درباره چالش های اخیر تولیدکنندگان که در پی شیوع ویروس کرونا بیشتر شده است، گفت: «تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی با مشکلاتی نظیر بی ثباتی اقتصاد کلان، نبود شفافیت، تصمیمات خلق الساعه و قیمت گذاری روبه رو هستند و کمکی که در سال های گذشته به نگاه های تولیدی شده به بیراهه رفته است.»



عرضه ارز در سامانه نیما افزایش یافت

**ایسنا** براساس آخرین برآوردها طی روزهای بیستم تا بیست و چهارم اردیبهشت ۹۹، میزان عرضه ارز به وسیله بانک مرکزی و صادرکنندگان در سامانه نیما به حدود ۳۱۳ میلیون یورو رسیده که نسبت به روزهای کاری سیزدهم تا هفدهم اردیبهشت ماه حدود ۴۸ درصد رشد کرده است. همچنین مقایسه میزان عرضه و تقاضای حواله های ارزی در سامانه نیما طی دوره مورد بررسی حاکی از رشد مناسب عرضه ارز به وسیله بانک مرکزی و صادرکنندگان به منظور پوشش تقاضای بازار است. تقاضای بالفعل ارز در سامانه نیما طی مدت مذکور حدود ۱۳۸ میلیون یورو بوده که از رشد حدود ۲۳ درصدی حکایت دارد. رئیس کل بانک مرکزی پیش از این گفته بود که با توجه به روند احیای مجدد و تدریجی صادرات غیرنفتی و نفتی بعد از کنترل شیوع ویروس کرونا، عرضه ارز به روال گذشته برخواهد گشت.

درخواست های سهامداران را اندازه زیادی سیاست را هم تحت تأثیر قرار می دهد؛ مثلاً دولت می تواند بخشی از قوانین بورسی را بازبینی کند تا کنش های مردم بیشتر قابل کنترل باشد



جماران

بورس اجتناب ناپذیر است؛ مثلاً در حال حاضر که بازار سهام در بیشتر کشورهای افت کرده است، سهامداران گله ای ندارند چون فرهنگ ریسک پذیری شان بالاست اما اگر شاخص کل در ایران سقوط کند، احتمال بروز اتفاقاتی مثل اعتراض مردم نسبت به موسسات مالی و اعتباری غیرمجاز دور از انتظار نیست.

**حضور میلیونی سرمایه گذاران در بورس باعث افزایش نوسانات آن نمی شود؟ آیا در بازار سهام کشورهای توسعه یافته چنین اتفاقاتی رخ نمی دهد؟ آنها چگونه رفتار می کنند؟**

اصلی به نام بازانندیشی در بورس وجود دارد که می گوید حضور افراد بیشتر در بورس عاملی برای نوسانات آینده است؛ مثلاً ممکن است اطلاعاتی درباره اختلاس در یک شرکت منتشر شود یا رئیس یک شرکت تغییر کند یا چشم انداز اقتصاد جهانی با تغییراتی مواجه شود که همه اینها با گسترش فضای مجازی به سرعت بین سهامداران پخش شده و روی ذهن آنها تأثیر گذاشته و بازار را تحت تأثیر قرار می دهد. کشورهای توسعه یافته وقتی با سقوط ناگهانی بورس مواجه می شوند، برای ساعاتی کوتاه بازار را متوقف می کنند تا امکان تفکر بیشتری در مورد دلایل سقوط به وجود بیاید. در واقع فرق بازانندیشی با تعداد بازیگران کمتر با بازانندیشی با تعداد بازیگران بیشتر در این است که در شکل نخست، آگاهی بیشتری وجود دارد و امکان ارزیابی درست دلایل سقوط بازار فراهم است اما در شکل دوم، تعداد سهامداران بیشتر و نوع برداشت شان از بازار پیچیده تر است به همین دلیل باعث نوسانات بیشتر در بازار می شود؛ مثلاً ممکن است سهمی ۲ درصد سقوط کند و باعث التهاب زیادی در سهامداران بشود. همان اتفاقی که پیش از این در مورد دلار رخ داد و مردم در مقابل صرفی ها صف بستند.

**اگر شاخص کل سقوط کند، چه تبعاتی بر زندگی مردم خواهد گذاشت؟ آیا جامعه ایران توانایی هضم چنین اتفاقی را دارد؟**

دولت ها در کشورهای توسعه یافته هم در بازار بورس وارد می شوند اما در حد ننگه داشتن یک ساعته یا دو ساعته بازار تا سقف را عقلانی تر کنند. بنابراین دائماً نمی توان در بورس دخالت کرد. در حال حاضر افراد زیادی وارد بورس شده اند و انتظارشان این است که از طریق خرید و فروش سهام، سرمایه شان بیشتر شود. این در حالی است که فرهنگ پذیرش ریسک در جامعه ما وجود ندارد و از طرفی شاخص کل بورس هم نشان دهنده شرایط اقتصادی کشور نیست بنابراین احتمال بروز پیامدهای اقتصادی در آینده است؛ از جمله اتفاقات مشابه موسسات اعتباری غیرمجاز یا التهاب در سایر بازارها. در مورد بازار بورس ایران چون گروه های مختلفی از مردم درگیر شده اند، پس احتمال زیادی وجود دارد تا دولت از منابع بانکی استقراض کند یا سعی کند که خسارت مردم را بدهد.

**حضور پرتعداد مردم در بازار بورس می تواند منجر به تغییر بدنه مدیریت شرکت های دولتی شود و به نوعی به تکمیل فرآیند خصوصی سازی که ناقص مانده کمک کند؟** شاید ورود پرتعداد مردم به بورس باعث شود دولت تدابیری بیندیشد تا جلوی تکرار حوادثی مثل کلاهبرداری چند هزار میلیارد تومانی موسسات مالی و اعتباری غیرمجاز را بگیرد. نکته این است که دولت نمی تواند خواسته های سهامدارانش را با مدیریت دولتی یا خصوصی جواب بدهد. بنابراین درخواست های سهامداران تا اندازه زیادی سیاست را هم تحت تأثیر قرار می دهد؛ مثلاً دولت می تواند بخشی از قوانین بورسی را بازبینی کند تا کنش های مردم بیشتر قابل کنترل باشد. اگر این قبیل تغییرات اتفاق نیفتد، امکان از بین رفتن سرمایه ها وجود دارد.

## گفت و گوئی (شهروند) با علی اصغر سعیدی، جامعه شناس اقتصادی، درباره دلایل استقبال میلیونی ایرانی ها از بازار سهام خطر ریزش بورس وجود دارد

رشد بازار سهام باید منجر به رونق اشتغال شود اما ما شاهد چنین اتفاقی نیستیم  
سهامداران جدید ریسک پذیر نیستند

**یزدان مرادی** تا همین دو سال پیش شاخص کل بورس تهران در مرز ۱۰ هزار واحدی گردش می کرد اما حالا به یکباره رکورد یک میلیون واحدی را شکسته است و بی وقته به رشد خود ادامه می دهد. این در حالی است که رشد اقتصادی منفی است و به گفته برخی فعالان بخش خصوصی میزان سرمایه گذاری های داخلی و خارجی تقریباً به صفر رسیده است. در چنین شرایطی دولت از رونق بورس با عنوان مردمی کردن اقتصاد نام برده و مردم را به حضور در بازار سهام تشویق می کند. شهروندان نیز بی توجه به هشدارها و بدون آگاهی بازار بورس را انتخاب می کنند. حجم سرمایه گذاری در بازار سهام طی سال ۹۸ حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان بود اما این عدد فقط در فروردین ۹۹ به ۲۰ هزار میلیارد تومان رسیده و این نگرانی را تقویت کرده است که اگر شاخص کل در آینده سقوط کند، چه چالش های اقتصادی و اجتماعی رقم می خورد و آیا جامعه ایرانی توانایی هضم این بحران ها را دارد؟ علی اصغر سعیدی، جامعه شناس اقتصادی، با بیان اینکه در حال حاضر بازار سهام نماینده تحولات اقتصادی ایران نیست، بر حیاتی بودن رشد آن تأکید می کند و به «شهروند» می گوید: «رکود در بازارهای مختلف باعث شده مردم به سمت بورس کشیده شوند اما فرهنگ ریسک پذیری و مقررات بازار آزاد در جامعه ایران وجود ندارد به همین دلیل اگر شاخص کل سقوط کند، پیامدهای منفی اجتماعی و اقتصادی بسیاری خواهد داشت. رشد بازار سهام باید منجر به رونق شاخص های دیگر از جمله اشتغال شود اما ما شاهد چنین اتفاقی نیستیم؛ بنابراین رشد بورس جنبی است و احتمال سقوط وجود دارد.»

خطر بازاری برای به دست آوردن درآمد با سرمایه های کوچک مردم وجود ندارد. اخیراً هم بانک مرکزی دستور کاهش نرخ سپرده های بلندمدت را به ۱۵ درصد ابلاغ کرده که در تصمیم مردم به حضور در بورس تأثیرگذار بوده است. این در حالی است که ارزش پول ملی به شدت در حال کاهش است و تورم نیز حدود ۴۰ درصد تخمین زده می شود. بنابراین مردم نگران از دست دادن سرمایه شان هستند و دنبال بازارهای جایگزین برای کسب درآمد می گردند. از آنجا که بازارهای متشکل پولی ارزش گذشته شان را از دست داده اند، نگاه مردم به بورس جلب شده که طی یک سال اخیر خصوصاً در هفته های گذشته شاهد رکوردشکنی های بی سابقه ای بوده است. دلیل دوم استقبال مردم هم به واگذاری سهام عدالت از طریق برمی گردد که در واقع نوعی توفیق اجباری با حداقل گیران ایجاد کرده است تا کنترل این سهام به تدریج در اختیار مردم قرار بگیرد.

**به نظر می رسد رکود حاکم بر سایر بازارها و هراس از دست دادن سرمایه باعث شده مردم به اجبار به سمت بورس حرکت کنند. این در حالی است که بیشتر کارشناسان نسبت به احتمال ریزش شاخص کل در آینده هشدار داده اند. شما فکر می کنید مردم آگاهانه ریسک بازار بورس را پذیرفته اند یا چاره ای غیر از این نداشته اند؟**

معمولاً افرادی که آگاهانه وارد بورس می شوند از طریق شرکت های کارگزاری یا نهادهای مالی استاندارد اقدام می کنند اما افرادی که اکنون در بورس سرمایه گذاری کرده اند از بازارهای دیگر آمده و آشنایی زیادی با سازوکار بورس ندارند. نباید فراموش کنیم که بازار سهام مثل بازار مسکن نیست که قیمت های آن در بیشتر مواقع پلکانی بالا برود و ضمن آن چنانی برای سرمایه گذارهای این بخش نداشته باشد. بازار سهام به طور پیوسته با نوساناتی همراه است بنابراین افرادی که وارد آن می شوند، هم باید سازوکارهای آن را شناخته و هم فرهنگ ریسک پذیری داشته باشند. افرادی که این فرهنگ را داشته باشند، سرمایه شان را در اختیار کارگزاری های بازار بورس قرار می دهند؛ چون این شرکت ها می دانند چطور باید پول ها را هدایت کنند و کمترین ضرر را ببینند. البته این روش برای افرادی است که نگاه بلندمدت به بورس دارند در حالی که سرمایه گذارهای اخیر از دهک های مختلف درآمدی هستند و نگاهی کوتاه مدت به آن دارند و چون بازارهای دیگر سود ندارد به فکر بورس افتاده اند. مطمئناً این افراد نمی توانند به شکل دایمی سود کنند بنابراین باید فرهنگ ریسک داشته باشند.

**به تازگی روزنامه شهروند در گزارشی میدانی به این نتیجه رسیده است که فروش کتاب های بورسی طی هفته های اخیر حدود ۶۰ درصد افزایش پیدا کرده است. همچنین متقاضیان شرکت در کلاس های آموزشی بورس حداقل سه برابر رشد کرده اند. برخی از این کلاس ها شهریه های میلیونی دریافت می کنند. آیا با کتاب خواندن یا شرکت در کلاس های آموزشی یک ماهه می توان در بورس موفق شد؟**

افرادی که در هفته های اخیر وارد بازار بورس شده اند، تازه می خوانند کتاب بخردند در حالی که معمولاً مطالعه کتاب های بورسی یک دانش سطحی در مورد بازار سهام به افراد می دهد و تضمین کننده موفقیت آنها نیست؛ به عبارت دیگر هنر تحلیل در اختیار همه نیست و امید بستن به کتاب های بورسی برای کسب سود بالا بیهوده است. این در حالی است که در کشورهای توسعه یافته فرهنگ سرمایه گذاری در بورس به تدریج شکل گرفته است چون شرکت ها در این کشورها تقریباً ملی هستند و بخش زیادی از مردم پول شان را در بورس گذاشته اند، بنابراین ما مفاهیم بورسی آشنا هستند و این فرهنگ را هم دارند که ضرر در

**در روزهای اخیر شاخص کل بورس تهران از مرز یک میلیون واحدی گذشت. این در حالی است که رشد اقتصادی منفی است و تولید ملی با تورم بالای ۱۸ درصد دست و پنجه نرم می کند. دلایل اقتصادی رشد شاخص کل چه بوده است؟**

یکی از مهم ترین دلایل رشد شاخص کل در هفته های اخیر این است که چندی پیش ارزشیابی جدیدی از ارزش سهام شرکت ها انجام و مقرر شد اگر تجدید ارزیابی درایی ها در مسیر افزایش سرمایه اتفاق بیفتد، شرکت ها از دادن مالیات معاف شوند. این قانون باعث افزایش بالایی در درایی برخی شرکت ها شد و درآمد بسیار زیادی نصیب سهامداران کرد. در واقع رشد شاخص ها ناشی از بازه سرمایه این قبیل شرکت های خاص نبود و اگر هم سوددهی داشتند به دلیل یارانه ای بود که در بخش های مختلف انرژی، تعرفه و... به آنها داده شده بود. به همین دلیل است که برخی ها می گویند این قبیل شرکت های خاص با رانت توانستند به سوددهی برسند.

**در هفته های اخیر دولت بارها از رونق بورس سخن گفته و مردم به حضور در این بازار اشتیاق نشان داده اند اما هم زمان اقتصاددانان مختلفی بر احتمال ریزش آن در آینده هشدار داده اند. شما فکر می کنید رشد بازار سهام واقعی است؟**

بیشتر اقتصاددانان ایران آینده بورس را صعودی نمی بینند. در حال حاضر بازار سهام نماینده تحولات اقتصادی ایران نیست؛ چون تولید ناخالص داخلی کشور منفی است. منطق اقتصادی حکم می کند با رشد بازار سهام بخش های مختلف اقتصادی رونق بگیرد؛ مثلاً اشتغال باید افزایش پیدا کند اما ما شاهد چنین اتفاقاتی نیستیم به عبارت دیگر ورود نقدینگی منجر به رفع بیکاری نشده است چون بسیاری از شرکت ها به دلیل مشکلات اقتصادی و تحریم ها توانایی سرمایه گذاری مجدد را ندارند. این در حالی است که اگر بازار مسکن از رکود خارج شود، قطعاً منجر به اشتغالزایی می شود. در بازار بورس تنها راه بهبود شاخص های اقتصادی تبدیل شدن نقدینگی به سرمایه گذاری است اما چنین اتفاقی رقم نخورده است و می تواند منجر به سقوط بازار شود. ضمن اینکه رشد ارزش سهام شرکت ها به تجدید ارزیابی درایی ها برمی گردد؛ نه بهبود شرایط اقتصادی و تولید. نتیجه اینکه افزایش شاخص کل بورس طی هفته های گذشته حیاتی بوده است.

**دولت در ماه های اخیر از رونق بورس به عنوان مردمی کردن اقتصاد یاد کرده است؛ دولت چه نقعی از رشد بازار سهام می برد؟**

بازار سهام یک منفعت برای دولت دارد که همان جذب نقدینگی است؛ حجم بالای ورود پول به بازار سرمایه طی هفته های اخیر طبیعی نیست و این سوال را مطرح می کند که چرا دولت تصمیم گرفته در چنین شرایطی که اقتصاد کشور با بحران های متعدد روبه رو است، مردم را به حضور در بورس تشویق کند؟ رشد اقتصادی منفی، رشد نکردن فرهنگ ریسک پذیری و فقدان مقررات بازار آزاد موقعیت بازار سهام را نامشخص تر کرده و حتی ممکن است در آینده سقوط بالایی را رقم بزند.

**آمارها می گوید میلیونها ایرانی در بورس سرمایه گذاری کرده اند؛ برخی ها خانه شان را فروخته اند و برخی دیگر پس اندازشان را آورده اند. شما علت اصلی اعتماد مردم به بازار سهام را در چه می بینید؟**

مردم به دو دلیل عمده به سمت بازار بورس کشیده شده اند؛ اول اینکه بازارهای جانبی مانند مسکن در رکود قرار دارد و معاملات طلا و ارز هم محدود شده است؛ به همین